

شیوه برخورد پیامبر در دعوت به مبانی اسلام با تکیه بر آموزه‌های قرآنی

رضا رضانی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱

چکیده

در دنیای غرب، برخی اسلام و پیامبرش را جنگجو، خشن، خونریز و قسی القلب معرفی کرده‌اند و جایگاه مسلمانان را تا حد تروریست تنزل داده‌اند! حال آنکه حقیقت امر جز این است و منشأ این نوع تحلیل و برداشت را می‌توان در دشمنی غرب با اسلام، گزینشی برخورد کردن با سیره و منش پیامبر اسلام، و فهم نادرست از دین اسلام و عدم اطلاع جامع از دین اسلام دانست. پیامبر اکرم برای انجام رسالت خود اصول و مبانی را در دستور کار خود قرار داد که در فراگیر شدن اسلام در عربستان و کشورهای همسایه با ایجاد صلح و دوستی میان مردم و ایجاد همزیستی مسالمت آمیز میان مردم آن منطقه نقش بسزایی را ایفا کرد. از همین روی برای معرفی چهره جامع از پیامبر اکرم (ص) در این مقاله سعی شده است شیوه‌های برخورد پیامبر اکرم (ص) در دعوت به مبانی اسلام بازخوانی شود و مبانی و اصول کلی آن با تکیه بر آموزه‌های قرآنی استخراج شود.

کلیدواژگان: اسلام هراسی، فراگیر، برخورد، مخالفین، اصول کلی.

مقدمه

پیامبر اسلام (ص) رحمت برای عالمین و دارای خلقی عظیم و زبانی نرم بود که برای کرامت انسان ارزش بسیار زیادی قائل بود. با آغاز رسالت وی در مکه و مدینه هدف اصلی آن حضرت رساندن انسان به کمال و نجات او از گمراهی و جهالت بود. او برای انجام این رسالت اصول و مبانی را در دستور کار خود قرار داد که در فراگیر شدن اسلام در عربستان و کشورهای همسایه و ایجاد صلح و دوستی میان مردم بسیار اهمیت داشت. آن حضرت با این نگاه که اصل اختلاف یک امر الهی و به خواست خداست، چنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ (هود/۱۱۸)

«و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلاف‌اند»

با الهام‌گیری از آیات قرآن اصول و شیوه دعوت خود را پایه ریزی کرد تا رهبری و هدایت جامعه‌ای را که قرآن در مورد آن فرمود:

﴿إِنَّمَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳)

«ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است»

بر عهده بگیرد.

در عصر حاضر دشمنان اسلام با ترویج اسلام هراسی و برجسته کردن رفتار برخی از گروه‌های تندروی اسلامی همچون داعش و طالبان و معرفی رفتار این گروه‌ها به عنوان حقیقت اسلام در صدد ویران کردن اسلام ناب و معرفی نمودن پیامبر اسلام به عنوان ایدئولوگ این جنایتکاران برآمده و هزینه‌های تبلیغی رسانه‌ای بسیار گسترده‌ای را در دستور کار خود قرار داده‌اند. آن‌ها با ارسال کمک‌های مادی و در اختیار گذاشتن رسانه‌ها و تربیت و آموزش‌های مورد نیاز این گروه‌ها در صدد هستند ضمن ایجاد آشوب

در کشورهای اسلامی برای غارت ثروت‌های دول اسلامی، در دنیا نیز از اسلام و مسلمانان چهره‌ای غیر واقعی و مخوف ترسیم نمایند تا مانع اسلام‌گرایی یا معرفی اسلام واقعی به دنیای غرب شوند و اینگونه جایگاه مسلمانان را خدشه دار نمایند. از جمله راهکارهای مقابله با این سیاست دشمنان اسلام، تأمل و معرفی شیوه برخورد پیامبر(ص)، در دعوت به مبانی اسلام می‌باشد، به همین جهت در مقاله حاضر ده اصل از شیوه‌های برخورد و مبانی بسیار مهم که در معرفی چهره واقعی اسلام نقش بسزایی را می‌تواند ایفا کند، بیان و در حد امکان توضیح مختصر پیرامون هر کدام داده می‌شود. طبیعتاً رعایت اصولی چون توجه به نوع برخورد با مخالفین، پرهیز از جسارت به مقدسات سایر مردم، کرامت انسان، تقدم صلح بر جنگ و... از جمله شیوه‌های برخورد و مبانی مهمی است که در دعوت اسلامی کارساز و دارای تأثیر فراوان می‌باشد.

پیشینه بحث

اگرچه در مورد روش شناسی برخورد پیامبر(ص) با مشرکان و اهل کتاب و راهکارهای تبلیغی پیامبر اعظم(ص) و مراحل دعوت(ابزارها و شیوه‌های فرهنگی-ارتباطی پیامبر اعظم(ص)) و سیره پیامبر اسلام(ص) و چگونگی دعوت به حق مقالات و کتبی نوشته شده است اما در مورد شیوه برخورد پیامبر در دعوت به مبانی اسلام با تکیه بر آموزه‌های قرآنی مقاله و کتاب یافت نشد.

شیوه‌های پیامبر اکرم(ص) در دعوت به مبانی اسلام

برخی از شیوه‌های پیامبر اکرم(ص) در دعوت به مبانی اسلام در ذیل می‌آید:

۱. برخورد با مخالفین

هر شخص یا حکومت و اجتماعی به خاطر آن نوع نگاه و جهان بینی که دارد دارای دشمنان و مخالفانی هستند، برخی از افراد برای حفظ منافع و جایگاه اجتماعی خود یا به خاطر آرمان و اهدافی که در نظر دارد، علیه افراد مخالف خود عکس العمل نشان می‌دهد. این دشمنی‌ها در مورد پیامبران، خصوصاً پیامبر اسلام(ص) به مراتب زیادتر و پرهجمه‌تر از دیگران می‌باشد. مخالفین آن حضرت گروه‌هایی چون مشرکین، منافقین و

اهل کتاب بودند. مخالفت‌های آن‌ها یا از سر عناد و دشمنی بود، یا از روی جهل و کج‌فهمی و یا به خاطر مصلحتی که فرد در نظر خودش آن را صحیح می‌دانست. پیامبر اسلام (ص) اولین و مهم‌ترین راه برای برخورد با این مخالفین را مدارا و بردباری می‌دانست. انعقاد پیمان‌نامه‌های بسیار، نشان از آن داشت که پیامبر اسلام (ص) خواهان همزیستی مسالمت آمیز با مخالفان خود بود و این به خاطر مهر و محبتی بود که آن حضرت نسبت به مردم داشت، به گونه‌ای که قرآن کریم در مورد آن حضرت فرمود:

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ لَنُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف/۶)

«پس شاید تو می‌خواهی به دنبال (اعراض) آن‌ها اگر به این سخن (این کتاب) ایمان نیاورند از شدت اندوه هلاک‌کننده خود باشی»

یا در جای دیگر فرمود:

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/۳)

«شاید تو می‌خواهی خود را هلاک کنی از اینکه آن‌ها ایمان نمی‌آورند»

با توجه به آنکه این دو سوره از جمله سوره‌های مکی است (معرفت، ۱۳۸۴: ۵۷) و مخاطب آن مردم مکه و مشرکین بودند، به دست می‌آید آن حضرت برای هدایت مشرکین و به کمال رساندن آن‌ها نیز نهایت تلاش خود را انجام داد و تا حد هلاکت پیش رفت. این نوع برخورد گویای محبت و مودت آن حضرت نسبت به مخالفین خود بود و سرمنشأ آن را باید در همان خلق و خوی نیکوی پیامبر دانست:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم/۴)

«به راستی تو دارای اخلاقی عظیم و تحسین برانگیز هستی»

در تاریخ بزرگانی از متقدمین چون ابن قتیبه (بی‌تا: ۱۵۰)، طبری (۱۴۱۵: ۲۲/۱۹۲)، قطب راوندی (۱۴۰۶: ۱/۱۶۴)، طبرسی (بی‌تا: ۱/۱۷۹)، ابن شهر آشوب (۱۹۵۶: ۱/۱۶۴)، رازی (۱۴۰۶: ۷۸) نقل کرده‌اند: هنگامی که مشرکین و کفار در جنگ احد دندان آن حضرت را شکستند، پیامبر اسلام (ص) به جای نفرین کردن اینگونه دعا کرد: «خدایا قومم را هدایت کن آن‌ها نمی‌دانند». و برخی همچون ابن سلیمان (۱۴۱۲: ۱/۴۸۶)، الموصلی (بی‌تا: ۱۱/۳۵)، الطبرانی (۱۴۱۵: ۳/۲۲۳)، بیهقی (۱۴۱۰: ۲/۱۴۴)، ابن ابی الحدید (۱۳۸۵: ۱۱/۲۲۱)، الهیثمی (۱۴۰۸: ۸/۲۵۷)، و سیوطی (بی‌تا: ۱/۳۹۵) گزارش

کرده‌اند: در این هنگام صحابه از آن حضرت خواستند قومش را نفرین کند، اما آن حضرت فرمود: «من برای رحمت مبعوث شده‌ام، نه برای عذاب و نفرین!»
این خصلت نه تنها در زمان شکست و ناتوانی بود، بلکه هنگامی که آن حضرت به قدرت و شوکت رسید نیز با مخالفین خود همین رفتار را داشت. در فتح مکه خطاب به مشرکین و کافرین که یک لحظه از اذیت و آزار آن حضرت دست برنداشتند و اصحاب وی را بسیار آزرده و اموال آن‌ها را مصادره کردند، آن حضرت خطاب به این چنین افرادی فرمود: در مورد من چه فکر می‌کنید؟ قریش و مشرکین گفتند: از تو جز خوبی چیزی انتظار نداریم، پس آن حضرت آن‌ها را بخشید و به خاطر کارهای ناشایست و ظلم و ستم‌هایی که روا داشتند مجازات نکرد (ابن سعد، بی تا: ۲/۱۴۲؛ الازرقی، ۱۴۱۱: ۲/۱۲۱؛ النسائی، ۱۳۴۸: ۶/۳۸۳؛ الیعقوبی، بی تا: ۲/۶۰؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۳: ۴/۱۶۷؛ ابن حجر، بی تا: ۷/۱۶۳). در فتح مکه همه بخشیده شدند و حتی خانه بوسفیان به عنوان محل امنی معرفی شد (ذهبی، ۱۴۲۲: ۲/۵۳۱؛ الیعقوبی، بی تا: ۲/۵۹؛ البیهقی، بی تا: ۷/۶۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۳/۴۵۶) هرچند در این میان چند نفر از مردان و زنان که قابل بخشش نبودند مورد عفو عمومی قرار نگرفتند، از همین روی آن حضرت دستور داد آن‌ها کشته شوند حتی اگر به پرده کعبه آویزان باشند (ابن سعد، بی تا: ۲/۱۳۶؛ الیعقوبی، بی تا: ۲/۵۹).

منافقین و اهل کتاب از دیگر مخالفان پیامبر اسلام (ص) بودند که آن حضرت با آن‌ها به مدارا رفتار کرد. ایشان در معاهده‌ای که با یهودیان بنی عوف نوشتند دین و اموال آن‌ها را به رسمیت شناخت و آن‌ها را امتی دانست که همراه امت مؤمنین هستند (ابن هشام، ۱۹۷۵: ۲/۳۵۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳/۲۷۵؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۱/۲۶۱؛ الکلائی، ۱۴۲۰: ۱/۲۹۶؛ الزمخشری، ۱۴۱۷: ۱۴۰۶/۷: ۲، ۳۲۲)، نه تنها پیامبر اسلام (ص) با مخالفین مدارا می‌کرد، بلکه به اصحابش نیز دستور داد با مخالفین به مدارا رفتار کنند، به گونه‌ای که فرمود: مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و نرمی با آن‌ها نیمی از عیش و زندگی است (کلینی، ۱۳۹۱: ۲/۱۱۷؛ الحرائی، ۱۴۰۴: ۲؛ العاملی، ۱۲/۲۰۱) یا در جای دیگر فرمود: خداوند همانگونه که مرا به انجام واجبات امر کرد، دستور داد با مردم نیز به مدارا رفتار کنم (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۵؛ کلینی، ۱۳۹۱: ۲/۱۱۷؛ صدوق، ۱۳۳۸: ۳۸۶؛

طوسی، بی تا: ۴۸۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۱/۲۰۹)، همانگونه که نقل شده: جبرائیل نزد آن حضرت آمد و گفت: خداوند به تو سلام می‌رساند و دستور داده با مردم مدارا کنی (العالمی، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۰۰؛ کلینی، ۱۳۹۱: ۲/۱۱۷)، و اگر مردم کافر بودند با گفتاری نرم و لین با آنها مدارا کن و با ملاطفت رفتار نما (المازندرانی، ۱۴۲۱: ۳۴۳/۸).

پیامبر اسلام به این نیز بسنده نکرد و حتی در دفاع از مخالفینی که با آنها پیمان بسته بود بیان کرد: «هر کس به افرادی که با آنها پیمان بسته‌ام ظلم کند من دشمن او هستم» (الحرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۲) همانگونه که در روایت دیگری فرمود: «هر کس به هم‌پیمانان من ظلم کند یا نقض پیمان نماید یا افرادی که با آنها پیمان بسته‌ام را به کارهایی فوق طاقت آنها وادار کند یا بدون رضایت از آنها چیزی دریافت نماید من روز قیامت با آنها محاجه می‌کنم» (ابن اشعث ابی داود، ۱۴۱۰: ۲/۴۵؛ بلاذری، ۱۹۵۶: ۱/۱۹۲؛ البیهقی، بی تا: ۷/۱۳۰؛ المتقی الهندی، ۱۴۱۹: ۴/۳۶۴؛ ابن حجر، ۱۴۱۶: ۳/۳۹۸).

آموزه‌های اسلام در مورد رعایت حقوق مخالفین تا حدی پیش رفت که به مخالفین اجازه می‌داد علیه امام مسلمین شکایت کرده و در مقابل ادعاهای‌شان درخواست بینه کنند (منتظری، ۱۳۸۰: ۴۳۲). همانگونه که به خاطر اختلاف میان حضرت علی (ع) و فرد یهودی در مورد زره، آن دو برای حل اختلاف نزد شریح قاضی رفتند و شریح حق را به یهودی داد (الاصفهانی، بی تا: ۱۷/۱۴۱؛ الارdebیلی، ۱۴۳۴: ۲/۱۱؛ ابن حمدون، ۱۹۹۶: ۱/۴۱۱؛ المتقی الهندی، ۱۴۱۹: ۷/۲۶؛ ذهبی، بی تا: ۱/۵۸۵؛ سیوطی، بی تا: ۲۰۲؛ الراوندی، ۱۴۰۶: ۱۷/۵۵۱).

این سیره پیامبر اسلام (ص) بود که دستور دادند: «جماعت مسلمین همه برادر و خونشان برابر است و همه آنان در برابر دشمن یکپارچه‌اند، و پائین‌ترینشان با امان دادن به مشرکین ذمه همه را مشغول می‌سازد» (کلینی، ۱۳۹۱: ۱/۴۰۴؛ الحرانی، ۱۴۰۴: ۴۳؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۵۰). سکونی از امام صادق (ع) در مورد معنای قول پیامبر اسلام (ص) که فرمود: «یسعی بذمتهم ادناهم: پائین‌ترینشان با امان دادن به مشرکین ذمه همه را مشغول می‌سازد» سؤال کرد، آن حضرت در پاسخ فرمود: اگر گروهی از مسلمانان قومی از مشرکین را به محاصره درآورند، سپس یکی از مشرکین درخواست کند به او امان

دهند تا با بزرگ مسلمانان مناظره کند و شخصی که از نظر اجتماعی پایین‌ترین رتبه را داراست، اگر چنین فردی به دشمن امان دهد واجب است بلندپایه‌ترین مقام در لشکر به امان پایین‌ترین فرد در لشکر وفا کند (کلینی، ۱۳۹۱: ۵/۳۰).

آنچه بیان شد نمونه‌های بسیار اندک از برخورد پیامبر اسلام (ص) با مخالفین خود بود. رفتاری که حضرت علی (ع) و دیگر اهل بیت نیز همان سیره را در برخورد با مخالفین خود پیش گرفتند. اصلی که در جامعه امروز اسلامی باید به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه و عمل قرار گیرد و با مخالفینی که قصد براندازی و نابودی را ندارند، با همان شیوه رسول الله رفتار شود. چراکه تبعیت از این سنت حسنه در جامعه اسلامی امروز، نمادی از الگوگیری و معرفی اخلاق و رفتار پیامبر اسلام (ص) به جامعه جهانی است.

۲. پرهیز از جسارت به مقدسات

از جمله شیوه‌های برخورد در دعوت به مبانی اسلام که بسیار تأثیرگذار است و منجر می‌شود اسلام به عنوان دینی مطرح و قابل دفاع در سطح بین الملل معرفی شود، رعایت اصل پرهیز از جسارت به مقدسات دیگر مردم و مذاهب و گروه‌ها مختلف می‌باشد. قرآن کریم در مورد جسارت نکردن به مشرکین فرمود:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/ ۱۰۸)

«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن‌ها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد)»

نهی در این آیه مولوی است نه ارشادی، زیرا با توجه پیامدی سب «فَيَسُبُّوا اللَّهَ» ارشادی بودن نهی معنا ندارد. شیخ طوسی در بیان سبب نزول آیه گوید: «مسلمانان آل‌هه مشرکین را سب می‌کردند، در مقابل مشرکین نیز خداوند متعال را سب می‌کردند، از همین روی آیه فوق نازل شد و آنان را از سب خدایان بر حذر داشت» (الطوسی، ۱۴۰۹:

۲/۱۴۳). علامه طباطبائی ذیل آیه سب می‌فرماید: «عموم تعلیل مفهوم - کذلک زینا - بیانگر آن است که عموم این نهی برای یک قوم خاص نیست، و هر قومی که گفتار بد و نادرستی را بگویند و آن گفتار منجر شود آنان به مقدسات ما بی احترامی کنند، به هر نحوی که باشد ممنوع است» (الطباطبائی، ۱۴۱۲: ۷/۳۱۴). بنابراین «مطابق این آیه و عمل حضرت علی (ع) راجع به سب اصحاب، اعمال برخی عوام جاهل شیعه که به رهبران اهل سنت ناسزا می‌گویند خلاف شرع است و احياناً عوام سنی هم برگردد و به رهبران شیعه ناسزا گوید و سب‌ساز اصلی نیز گنهگار است» (بهرام پور، ۱۳۸۰: ۷/۳۱۶).

همانگونه که بیان شد جسارت نکردن، یکی از راه‌ها و شیوه‌های بر خورد در دعوت به مبانی اسلام است. زیرا مردم در صورتی دعوت اسلام را پاسخ مثبت می‌دهند که بدانند این دین برای مقدسات مذاهب مختلف حتی برای بت‌های بت پرستان ارزش قائل است و مسلمانان را از سب و جسارت کردن به آن‌ها بازمی‌دارد. روش اسلام مبتنی بر عقل و استدلال است نه احساسات و عواطف و هنگامی دین اسلام اینگونه پیروان خود را تربیت کند که بر پایه استدلال و منطق و جدال احسن پایه ریزی شده خواه ناخواه این نوع برخورد در جذب مخالفین تأثیر فراوانی دارد.

در فتح مکه سیره و روش عملی پیامبر اسلام (ص) اینگونه بود که مسلمانان را از سب و جسارت کردن به اهل مکه منع کردند. در سیره پیامبر اسلام (ص) حتی از جسارت کردن به جنازه‌های دشمن در جنگ بدر منع شد (الفیض الکاشانی، بی تا: ۳۲۲)، و همین اخلاق نیکو و قلب مهربان آن حضرت بود که توانست قلوب مشرکین سنگ دل را نرم و به اسلام متمایل کند، همانگونه که قرآن کریم فرمود:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل

عمران/۱۵۹)

«پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو

و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند»

همین اخلاق نیکوی رسول خدا بود که باعث شد مشرکین برای شنیدن کلام خدا

نزد پیامبر بیایند و از همین جهت خداوند به مسلمانان دستور داده شد:

﴿وَلِأَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجْرَهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلَغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (توبه/۶)

«و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان؛ چراکه آنان قومی نادان‌اند»

در این آیه خطاب به پیامبر اسلام(ص) دستور داده شده: نه تنها درخواست مشرکین را برای شنیدن کلام خدا بپذیر، بلکه بعد از شنیدن کلام خدا، باید او را سالم به محل امنی برسانی. این منطق و دستور صریح اسلام نسبت به مخالفینی است که قصد جنگ و خونریزی را ندارند. در جامعه امروز نیز با استفاده و الگوگیری از آثار تربیتی مفاهیم اینگونه آیات و با تمسک به سنت پیامبر اسلام(ص) در برخورد با دیگر ادیان می‌توان آن اسلام هراسی و چهره خشنی که غرب از اسلام ارائه کرده را تا حدی از میان برد و چهره رحمانی اسلام و پیامبر رحمت را به منصفه ظهور رساند و این در دعوت و تبلیغ دین اسلام بسیار مهم و حائز اهمیت است.

۳. همزیستی مسالمت آمیز

اصل همزیستی مسالمت آمیز از دیگر شیوه و اصول و روشی است که در پیشرفت و معرفی اسلام و زدودن اسلام هراسی دارای اهمیت زیادی است. اصلی که در آن افزون بر مردمی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، تمام انسان‌هایی که قصد براندازی اسلام را ندارند، همه از حقوق مساوی برخوردار بوده و در کنار هم می‌توانند به طور مسالمت آمیزی زندگی کنند. همزیستی مسالمت آمیز یعنی گروهی از انسان‌ها در یک شهر یا کشور یا منطقه به گونه‌ای دوستانه و با در نظر گرفتن مصلحت کل جامعه یا منطقه با هم زندگی و حیاتی در کمال صلح و آرامش داشته باشند. این همزیستی مسالمت آمیز در صدر اسلام و به محض ورود پیامبر در مدینه و قدرت گرفتن آن حضرت به عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار گرفت. پیمان بستن با قبائل یهودی و نوع رفتار مسلمانان با مسیحیان و... همه گویای این نوع از همزیستی مسالمت‌آمیز می‌باشد. اساساً زندگی انسان‌هایی که دارای مشترکات فرهنگی، دینی و اقتصادی و سیاسی هستند بدون همزیستی مسالمت آمیز معنایی ندارد. در تاریخ اسلام این

همزیستی مسالمت آمیز به عنوان یک اصل اساسی و پذیرفته شده مورد قبول همه قرار گرفته بود. قرآن کریم اساس و پایه این زندگی مسالمت آمیز را اینگونه ترسیم کرده است:

﴿لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (ممتحنه/۸)

«[اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد»

به تصریح آیه شریفه با کسانی که علیه مسلمانان وارد جنگ نشده و آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون نکردند، باید به نیکی و همراه با عدالت رفتار کرد و این همان اصل همزیستی مسالمت آمیز است که در تاریخ اسلام و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) بر آن تأکید فراوانی شده است. در دوران زندگی ائمه اطهار نیز همین شیوه و همزیستی مسالمت آمیز به چشم می‌خورد.

در جامعه اسلامی امروز نیز برای زدودن اسلام‌هراسی که غرب در صدد ترویج و گسترش آن است، باید سیره عملی و نظری پیامبر اسلام (ص) و شیوه برخورد آن حضرت با دیگر ادیان و اقلیت‌های مذهبی و نیز در روابط خارجی و رفتار با دیگر کشورها مورد بررسی و عمل قرار گیرد. نوع برخورد و همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان در صدر اسلام با غیر مسلمانان باعث گردید شمار بسیاری از مردم آن روزگار به اسلام گرایش پیدا کنند یا اگر اسلام را نپذیرفتند حداقل با مسلمانان برای رفع نیازهای جامعه همکاری و تعاون داشتند.

قرآن کریم افزون بر زندگی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان، به آن‌ها نیز دستور داده میان خودشان نیز با مسالمت زندگی کنند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (بقره/۲۰۸)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به صلح و صفا درآئید و هرگز از گام‌های (خطرناک) شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست»

و این همان شیوه حسنه‌ای بود که پیامبر در طول مدت رسالت خود به عنوان یک اصل به آن توجه داشت و مسلمانان را تشویق می‌کرد تا به آن پای‌بند باشند، حتی در جنگ نیز مسلمانان را از انجام کارهای ناشایست منع کرد و به آن‌ها دستور داد:

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (بقره/۱۹۰)

«در راه خدا با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، پیکار کنید و هرگز از حدود مقررات خدا تجاوز نکنید که خدا تجاوزگران را هرگز دوست نمی‌دارد»

این بدان معناست که حتی در جنگ نیز باید اصل همزیستی رعایت شود و به دشمنان بیش از حد تجاوز نشود. زیرا رعایت عدل و انصاف یکی از مهم‌ترین سازوکارهای همزیستی مسالمت آمیز می‌باشد. حال تجاوز نکردن در جنگ یا به معنای مثله نکردن می‌باشد یا مدارا کردن با زنان و کودکان و سالخورده‌گان می‌باشد (الطوسی، ۱۴۰۹: ۲/۱۴۳).

۴. کرامت انسان

از دیگر اصول و مبانی مهمی که در شیوه برخورد با دیگر ادیان و دعوت اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به اصل کرامت انسان می‌باشد. انسان از این جهت که دارای ارزش و کرامت می‌باشد، هرچند در مراحل بعدی برخی با انتخاب بهترین‌ها جزء ابرار و برخی با انتخاب راه ضلالت و بدترین‌ها می‌شوند. همانگونه که قرآن کریم نیز در این باره فرمود:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۷۰)

«به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و وسایل حمل و نقل او را در دریا و خشکی فراهم ساختیم و از روزی‌های پاک او را بهره‌مند ساختیم»

کرامتی که از آن در این آیه سخن به میان آمده شامل حال عموم بشر از جمله مشرکین، کفار، اهل کتاب و فساق نیز می‌شود (الطباطبائی، ۱۴۱۲: ۱۳/۱۵۵) زیرا همه از یک پدر و مادر متولد شده‌اند و تنها چیزی که باعث فراز یا فرود انسان می‌گردد همان تقوای الهی است «و گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترینتان است» (حجرات/۱۳).

توجه به اصل کرامت انسان از جمله بهترین شیوه برخوردی است که در دعوت به اسلام نقش مهم و مؤثری را می‌تواند ایفا کند. بر مبنای همین اصل ذاتی کرامت انسان بود که پیامبر اسلام(ص) نهایت تلاش خود را برای هدایت مردم انجام می‌داد، همانگونه که قرآن کریم تصریح دارد: «شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار] شان تباه کنی»(کهف/۶). یا در آیه دیگر می‌فرماید: «شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه سازی»(شعراء/۳).

این همه اهتمام پیامبر اسلام برای نجات و هدایت مشرکان تنها به خاطر کرامتی است که خداوند به انسان عنایت کرده است. حضرت محمد(ص) با توجه به کریم بودن انسان، تمام هم و غم خود را برای هدایت مردم گذاشت. او رحمت برای عالمین بود(انبیاء/۱۰۷) و برایش دشوار بود که مردم را در رنج و سختی ببیند، از همین روی برای هدایت مردم حریص و نسبت به مومنان دلسوز بود(توبه/۱۲۸). این دلسوزی تا حدی پیش رفت که خداوند خطاب به وی فرمود: «مبادا به سبب حسرت‌ها ای گوناگون [بر آنان، جانت [از کف] برود»(فاطر/۸) حال آنکه پیامبر اسلام(ص) به خاطر کرامتی که خداوند به انسان عطا کرده تا حد جان دادن پیش می‌رود و در پرتو همین کرامت است که انسان می‌تواند از جهل و ظلمت خود را برهاند و توجه به این ویژگی و تأکید بر آن در دعوت اسلام نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. زیرا وقتی انسان به خاطر کرامت ذاتی که دارد مورد توجه فرد یا دینی قرار گیرد، طبیعتاً از بعد روان‌شناسی و انسانی همین امر بهترین شیوه برای دعوت یا معرفی آن دین می‌باشد. در مکتب و سیره اهل بیت توجه به کرامت انسان از جمله اصول اساسی بود که نقش مؤثری در دعوت به اسلام دارد.

۵. تقدم صلح بر جنگ و قطع رابطه

از جمله اشکالات اساسی که نسبت به اسلام و عملکرد پیامبر گرفته می‌شود این است که آن حضرت جنگ طلب بود و باکی از خونریزی نداشت، خون و جان مردم برایش اهمیتی نداشت! این اشکالی است که بسیاری از مستشرقین از جمله علی سینا و نصاری در انتقادات و تحلیل‌های خود از اسلام مطرح و مفصلاً بررسی کرده‌اند. حال آنکه

این طرز تفکر از آنجا نشأت می‌گیرد که این افراد استدلال‌های خود را تنها با توجه به بخشی از گزاره‌های قرآن و عملکرد پیامبر مطرح کرده‌اند!

با تکیه بر آیات محکم و روشن قرآن کریم و نیز سنت عملی پیامبر اسلام (ص) قاعده اولیه نزد آن حضرت صلح و پرهیز از جنگ بود، حتی در صورتی که می‌دانست اگر وارد نبرد شود به پیروزی می‌رسد (الرکابی، بی‌تا: ۴۳). و این صلح و دوستی و سفارش به صلح تنها مخصوص مسلمانان نبود و هرچند در آیات و روایات فراوانی به مسلمانان دستور داده شد با هم با رفاقت و برادری زندگی کنند (بقره/۲۰۸) اما آیات و روایات فراوانی نیز در مورد صلح و مدارا کردن با دشمنان نیز وجود دارد.

نمونه‌های روشن از تاریخ قابل اعتماد را می‌توان به فتح مکه و پیمان‌هایی که با یهودیان اطراف مدینه بست اشاره کرد، با آنکه حضرت محمد (ص) در آن زمان قدرت داشت و می‌توانست همه را از دم تیغ بگذراند، ولی اصل برای آن حضرت ایجاد صلح و دوستی با اهل کتاب و مکیان بود. هرچند در قرآن کریم نیز آیاتی مربوط به جنگ و کشتن مشرکین، اهل کتاب و منافقین وجود دارد، اما این در صورتی است که دشمنان قصد جنگ با مسلمانان را داشتند یا پیمان شکنی کردند. ولی در صورتی که مخالفین و دشمنان اسلام قصد مبارزه با مسلمانان را نداشتند یا بر عهد و پیمان خود باقی ماندند، در این صورت اصل برای آن‌ها صلح و پرهیز از جنگ و خونریزی است، همانگونه که در آیات دیگر می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ (انفال/ ۶۰ و ۶۱)

«در برابر آن‌ها آنچه توانایی دارید از نیروهای مسلح پیاده و سواره آماده کنید تا وسیله آن نیروها، دشمنان خدا و دشمنان خودتان را بترسانید و نیز گروه دیگری غیر از این‌ها که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد، بترسانید و هرچه در راه خدا (و تقویت نیروهای مسلح اسلام) بخشش کنید به شما بازگردانده می‌شود و به شما هیچ گونه ظلم و ستمی

نخواهد شد. و اگر آنان درخواست صلح کنند، با آن‌ها مصالحه کن و به خدا توکل نما که او شنوای داناست»

آنچه در این آیه شریفه قابل تأمل است آنکه در ابتدا مسلمانان را تحریص می‌کند تا هرچه می‌توانند برای مقابله با دشمنان نیرو آماده کنند و در واقع با به دست آوردن این نیرو و قدرت، نوعی بازدارندگی به دست آورند. در ادامه تصریح دارد: اگر دشمنان شما درخواست صلح کردند شما نیز با آن‌ها مصالحه کنید و نباید اینگونه توهم و تصور شود که اگر با دشمن صلح کنیم ممکن است در زمان صلح به تقویت قوای خود بپردازد، سپس مجدداً با قدرت حمله کند، زیرا این تصویری نادرست است و قرآن کریم به صورت مطلق فرمود: اگر آن‌ها برای صلح پیشنهاد دادند شما نیز بپذیرید و از این ترسی نداشته باشید که ممکن است در زمان مناسب به شما حمله برند؛ این فراز از آیه که فرمود: «به خدا توکل نما که او شنوای داناست» بر این مطلب دلالت دارد که خداوند آگاه به کار دشمنان شماست و اگر آن‌ها قصد خیانت کردند خداوند کفایت شما را می‌کند» (الطباطبائی، ۱۴۱۲: ۹/۱۱۷).

مفاد و مفهوم این آیه اصل و مبنای سیره و روش پیامبر اسلام (ص) در طول مدت رسالت قرار گرفت تا جامعه و مدینه فاضله‌ای را بنا نهد که در آن تمام مردم با همزیستی مسالمت آمیز و پرهیز از جنگ و خون ریزی زندگی کنند.

۶. وفای به عهد

پای‌بندی به پیمان و وفای به عهد از جمله شیوه‌های برخورد و اصول دیگر در دعوت اسلامی است. قرآن در این باره به صراحت می‌فرماید: «و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرشش خواهد شد» (اسراء/۳۴). در جامعه جهانی امروز نیز کسی حق فسخ و نقض پیمان را ندارد و اگر کسی چنین کرد تمام اعتبار و ارزش او زیر سؤال می‌رود و به عنوان یک فرد عهد شکن و غیر قابل اعتماد مطرح می‌شود. حال اگر این عهد شکنی از سوی کسانی باشد که به نام دین حکومت تشکیل داده‌اند در اینجا آن چیزی که ضربه می‌خورد اصل و اساس دین است. از همین روی در قرآن کریم و حتی در سنت پیامبر و اهل بیت او از عهد شکنی بسیار مذمت شده است، حتی اگر به ضرر فرد باشد. سیره

پیامبر اسلام(ص) بر وفای به عهد استوار بود و نه تنها خود نقض عهد نمی‌کرد که در دفاع از مخالفینی که با آنها پیمان بسته بودند نیز خطاب به مسلمانان فرمود: «هر کس به افرادی که با آنها پیمان بسته‌ام ظلم کند من دشمن او هستم»(الحرانی، ۱۴۰۴: ۲۷۲). یا در روایت دیگری فرمود: «هر کس به هم‌پیمانان من ظلم کند یا نقض پیمان نماید یا افرادی که با آنها پیمان بسته‌ام را به کارهایی فوق طاقت آنها وادار کند یا بدون رضایت از آنها چیزی دریافت نماید من روز قیامت با آنها محاجه می‌کنم»(ابن‌اشعث، ۱۴۱۰: ۲/۴۵؛ ابن حجر، ۱۴۱۶: ۳/۳۹۸؛ البلاذری، ۱۹۵۶: ۱/۱۹۲؛ البیهقی، بی تا: ۷/۱۳۰؛ المتقی الهندی، ۱۴۱۹: ۴/۳۶۴ و ۵/۷۶۰). و این گفتار همان شیوه و سیره عملی پیامبر اسلام(ص) در برخورد با مخالفین خود بود.

از همین روی یکی از راه‌های مهم معرفی و تبلیغ دین در جهان امروز پای‌بندی به عهد و پیمانی است که میان مسلمانان و دیگر کشورهای غربی منعقد می‌گردد و عمل کردن به این عهد در واقع معرفی سنت و روش پیامبر اسلام(ص) است.

۷. وجود آزادی

یکی از دیگر شیوه‌های برخورد پیامبر اکرم(ص) در دعوت به مبانی اسلام وجود آزادی بیان و اختیاری بود که نسبت به مردم در صدر اسلام داشتند. در صدر اسلام مردم به گونه‌ای از آزادی بیان و عملکرد در چارچوب قانون و عرف برخوردار بودند که پایین‌ترین فرد در اجتماع حق داشت و می‌توانست به بالاترین مقام بدون ترس و وا همه اعتراض کند. اینگونه نبود که پیامبر اسلام(ص) مردم را مجبور به پذیرش اسلام کند، زیرا تنها وظیفه آن حضرت ابلاغ پیام خداوند بود:

﴿فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ﴾ (ال عمران/ ۲۰)

«پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتافتند، فقط

رساندن پیام بر عهده توست، و خداوند به [امور] بندگان بیناست»

تنها وظیفه پیامبر اسلام(ص) رساندن پیام خدا و معرفی دین اسلام بود، همانگونه که فرمود:

﴿لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمَصِيطِرٍ﴾ (غاشیه/ ۲۰)

«بر آنان تسلطی ندارم»

از نگاه اسلام هیچ یک از طرفین نمی‌توانند دیدگاه‌ها و نظرات خود را به طرف مقابل تحمیل کنند. اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی اکراه و اجبار بردار نیست. پذیرش دین باید همراه اعتقاد قلبی باشد و اگر در این میان فشار و اجباری در کار بود، هرچند فرد ممکن است در ظاهر پذیرای دین و اعتقاد باشد، ولی از نظر قلبی آن را قبول ندارد از همین روی قرآن کریم به صراحت فرمود:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾ (بقره/۲۵۶)

«در دین اکراه راه ندارد؛ چراکه راه از بیراه به روشنی آشکار شده است»

خداوند با گوشزد کردن اینکه «اگر پروردگارت می‌خواست تمامی اهل زمین (بدون اینکه اختیاری داشته باشند) ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به اکراه و می‌داری تا اینکه مؤمن شوند»؟ (یونس/۹۹)، متذکر این نکته شد که نباید با تهدید و ارباب مردم را به دین وارد کرد، بلکه مردم باید از روی اختیار و با اشتیاق دین را انتخاب کنند.

وجود همین آزادی بیان و مشورت با افراد جامعه افزون بر آنکه به رشد و بالندگی جامعه کمک می‌کرد، باعث می‌شود برای پیشبرد اهداف جامعه بهترین دیدگاه و نظر انتخاب و مورد عمل قرار گیرد. اصل آزادی بیان و مشورت از منظر پیامبر(ص) بسیار مهم و حیاتی بود به گونه‌ای که آن حضرت فرمود: «اگر زمامداران در کارهای خود با مردم مشورت کنند و مردم نظرات خود را بیان کنند در این موقع زیستن روی زمین برای مردم بهتر است، اما اگر چنین نباشد و کسی حق اظهار نظر نداشته باشد، زیر زمین خفتن برای مردم بهتر از روی زمین زیستن است» (ابن شعبه الحرائی، ۱۴۰۴: ۳۶؛ المتقی الهندی، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۲۳؛ الترمذی، ۱۴۱۴: ۳/۳۶۱؛ خطیب البغدادی، ۱۴۱۷: ۲/۱۸۷؛ السیوطی، ۱۴۰۱: ۱/۱۲۷).

وجود همین خصلت‌های نهادینه شده توسط پیامبر اسلام(ص) بود که باعث شکوفایی تمدن صدر اسلام و جذب بسیاری از افراد و بزرگان به دین اسلام شد. شیوه‌ای که اگر امروزه توسط مسلمانان مورد توجه قرار می‌گرفت بهترین الگو و تبلیغ برای دین اسلام بود و آنگونه می‌توانست در دنیا چهره واقعی اسلام را به جهانیان معرفی کند.

۸. احترام متقابل

از دیگر شیوه‌های برخورد و مهم در دعوت اسلامی احترام گذاشتن به فکر و اندیشه طرف مقابل می‌باشد. در دعوت اسلامی هدف پیروزی و به اصطلاح به کرسی نشانیدن سخن و اثبات عقیده نیست، بلکه هدف اصلی هدایت مردم به سوی رستگاری است و در پرتو همین دعوت اسلامی می‌توان یک جامعه متضاد از نظر عقیده و دین و مذهب را به گونه‌ای اداره و مدیریت کند که تمام افراد جامعه با هر فکر و اندیشه‌ای که هستند، در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند. در سیره و روش پیامبر اسلام (ص) این احترام گذاشتن به نظر و اندیشه طرف مقابل به صورت یک اصل و مبنا درآمده بود. از جمله نمونه‌های بارز این نوع رفتار می‌توان به صلح حدیبیه اشاره کرد. صلح حدیبیه میان مسلمانان و مشرکین مکه واقع شد. هنگام نوشتن صلحنامه پیامبر خطاب به حضرت علی (ع) فرمود: بنویس بسم الله الرحمن الرحیم؛ در این هنگام که سهیل بن عمرو گفت: من «الرحمن الرحیم» را نمی‌شناسم، بنویس: «بسمک اللهم». سپس حضرت محمد (ص) فرمود بنویس: «هذا ما قاضی علیه محمد رسول الله و سهیل بن عمرو». سهیل مجدداً اعتراض کرد و گفت: اگر تو را به رسالت قبول داشتیم که جنگی در بین نبود. از همین روی پیامبر فرمود: بنویس محمد بن عبدالله (ابن هشام، ۱۹۷۵: ۳/۷۸۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۳/۳۲۰؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱/۳۴۲ و ۴/۷۸؛ الطبری، ۱۳۵۸: ۲/۲۸۱؛ کلینی، ۱۳۹۱: ۸/۳۲۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۱۵؛ ابن حبان، ۳۰۱: ۱/۱۳۹۵؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ۲/۱۵۳؛ ابن سید، ۱۴۰۶: ۲/۱۲۰). نوع رفتار پیامبر در این صلحنامه بیانگر ارزش قائل شدن برای فکر و اندیشه‌ی طرف مقابل بود. پیامبر اسلام (ص) با اینکه بر حق بود، ولی برای اعتقاد و باور طرف مقابل خود بسیار ارزش قائل بود و همانگونه که بیان شد در این صلحنامه انعطاف‌پذیری خود را به نمایش گذاشت و این عمل یکی از شیوه‌های مهم در دعوت اسلامی است که در پیشبرد و معرفی چهره‌ی اسلام نقش به‌سزائی را ایفاء می‌کند.

۹. تأکید بر مشترکات

از دیگر شیوه‌های مهم در دعوت اسلامی می‌توان به اصل تأکید بر مشترکات میان افراد و مذاهب و ملل گوناگون اشاره کرد. در جامعه صدر اسلام اینگونه نبود که تمام

مردم مسلمان و غیر مسلمان دارای یک تفکر و اندیشه باشند، بلکه هر کدام با دیدگاه و افکار خود در حکومت اسلامی آن زمان زندگی می‌کردند. جامعه‌ای که پیامبر اسلام(ص) در آن زمان بنیان نهاد، جامعه‌ای بود که در آن موافق و مخالف در عقیده، دین و مذهب به راحتی کنار هم زندگی می‌کردند و با تکیه بر مشترکات همدیگر، یک جامعه آرمانی را تشکیل داده بودند. قرآن کریم نیز در این رابطه خطاب به اهل کتاب فرمود:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾ (ال عمران/۶۴)

«بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است

بایستیم»

در جامعه امروز نیز باید همین اصل مورد توجه قرار گیرد و در صورتی که دولت‌های اسلامی به این اصل پای‌بند باشند، به راحتی می‌توانند بخشی از مشکلات موجود در جامعه خود و نیز جامعه بین‌المللی را بر طرف کنند. همین روش در سیره پیامبر اسلام(ص) نیز وجود داشت. آن حضرت در طول زندگی خود قبل از رسالت تا زمان وفات خویش بر این اصل پافشاری می‌کردند.

۱۰. گام اول، خودسازی

آنچه تا کنون بیان شد برخی از مهم‌ترین شیوه‌های برخورد و اصول و مبانی است که در دعوت اسلامی نقشی بسیار مؤثر را می‌تواند ایفا کند، اما شاید برای تحقق این اصول اولین گام آن است که تک‌تک افراد جامعه از خود شروع کنند و این فرد فرد با به هم پیوستن، جامعه‌ای ایده‌آل و آرمانی را در خارج محقق کنند. زمانی جامعه مسلمانان در دعوت اسلامی و زدودن غبار از چهره اسلام موفق است که خود عاری از هرگونه جنگ‌طلبی و بد خلقی و عهدشکنی باشند و گرنه معنا ندارد فردی با تمام قدرت و توان به مقدسات دیگران جسارت کند و در عین حال از احترام به مقدسات دم زد! کسی می‌تواند از همزیستی مسالمت‌آمیز سخن به میان آورد که اهل جنگ و دعوا نباشد. پیامبر اسلام(ص) نیز تا سن چهل سالگی به خودسازی مشغول بود و بعد از این بود که به رسالت مبعوث شد. داستان رطب خورده کی تواند منع رطب کند، از مصادیق مهمی است که در سیره و روش پیامبر اسلام(ص) همواره مورد توجه قرار می‌گرفت.

قرآن کریم نیز می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم/۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و اهلتان را از آتش حفظ کنید»

آنچه در این آیه مد نظر است آنکه در ابتدا فرمود: خودتان را از آتش حفظ کنید، سپس اهل خود را از آتش نجات دهید. این سلسله مراتب در امور تربیتی باید لحاظ شود و اگر رعایت نشود عملی که انجام می‌شود نه تنها آثار مثبتی بر آن مترتب نیست، بلکه ممکن است بازخورد منفی نیز داشته باشد.

نتیجه بحث

در جهان امروز که تبلیغات دشمن علیه اسلام و پیامبر هر روز پررنگ‌تر می‌شود باید ضمن شناخت بهترین شیوه و روش برخورد و اصول و راهکارهایی که پیامبر اسلام در پیشبرد اسلام مورد استفاده قرار داده - از جمله برخورد درست با مخالفین، پرهیز از جسارت به مخالفین، همزیستی مسالمت آمیز، احترام متقابل و... - جامعه اسلامی نیز به خودسازی و نهادینه کردن فرهنگ ناب اسلامی در جامعه همت گمارد. به نظر می‌رسد برای برطرف کردن اسلام‌هراسی که در دنیا ایجاد شد کشورهای اسلامی و مسلمانان باید از درون خود آغاز به اصلاح کنند و در صورتی که خودشان توانستند به خودسازی دست یابند و به فرامین قرآن و سنت پیامبر عمل کنند، تنها در این صورت امکان دارند اسلام ناب را به دنیا معرفی کنند؛ به همین جهت باید با فرهنگ سازی و از متن جامعه شروع کرد. از همین روی رعایت این نکته در تبلیغ و دعوت اسلامی بسیار مهم است و تنها با متخلق شدن به اخلاق و سیره و سنت پیامبر می‌توان ضمن معرفی اسلام به عنوان یک دین پویا و بیان آنکه حضرت محمد(ص) پیامبر رحمت و دلسوز همه انسان‌ها بود نه فقط قوم قریش یا مسلمانان و با ترویج این چهره رحمانی می‌توان مقابل اسلام‌هراسی و تخریبی که دشمنان برای پیامبر اسلام(ص) انجام می‌دهند، ایستاد.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید. ١٣٨٥ق، شرح نهج البلاغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن اشعث، ابی داود. ١٤١٠ق، سنن ابی داود، تحقیق: سعید محمد لحم، بی جا: دار الفکر.
- ابن حبان، علی. ١٤١٤ق، صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب ارنووط، الطبعة الثانية، بی جا: مؤسسة الرسالة.
- ابن حبان، محمد. ١٣٩٥ق، الثقات، حیدرآباد: مؤسسة الکتب الثقافية.
- ابن حجر، احمد. ١٤١٦ق، لسان المیزان، تحقیق: مکتب التحقیق، بیروت: مؤسسة التاريخ.
- ابن حجر، احمد. بی تا، فتح الباری شرح صحیح البخاری، چاپ سیزدهم، بیروت: دار المعرفة.
- ابن حنبل، احمد. بی تا، مسند احمد، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد. بی تا، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر.
- ابن سلیمان کوفی، محمد. ١٤١٢ق، مناقب الإمام امیر المؤمنین، تحقیق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة.
- ابن سید، محمد. ١٤٠٦ق، السیرة النبویة (عیون الأثر)، بیروت: مؤسسة عز الدین.
- ابن شعبه الحرانی، حسن. ١٤٠٤ق، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر الغفاری، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن شهر آشوب، محمد. ١٣٢٨ق، متشابه القرآن ومختلفه، بی جا: شرکت سهامی طبع کتاب.
- ابن شهر آشوب، محمد. ١٩٥٦م، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: لجنة من اساتذة النجف الاشرف، النجف الاشرف: الحیدریة.
- ابن عساکر، علی. ١٤١٥ق، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم. بی تا، تأویل مختلف الحدیث، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، اسماعیل. ١٤٠٨ق، البداية والنهاية، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل. ١٤٢٠ق، السیرة النبویة، تحقیق: محمد المعتصم، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن هشام، عبدالملک. ١٩٧٥م، السیرة النبویة، بیروت: دار الجیل.
- ابو یعلی الموصلی. بی تا، مسند ابی یعلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، الطبعة الثانية، بی جا: دار المامون للتراث.
- الأرزقي، محمد بن عبدالله. ١٤١١ق، اخبار مكة، تحقیق: رشیدی الصالح، قم: انتشارات الشریف الرضی.
- الاصفهانی، ابوالفرج. بی تا، الأغاني، الطبعة الثانية، بیروت: دار الفکر.

- البلاذری، احمد. ۱۹۵۶م، **فتوح البلدان**، تحقیق: صلاح الدین المنجد، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية. بهرام پور، ابوالفضل. ۱۳۸۰ش، **نسیم حیات**، قم: هجرت.
- البیهقی، احمد. ۱۴۱۰ق، **شعب الإيمان**، تحقیق: محمد سعید بن بسیونی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- البیهقی، احمد. بی تا، **معرفة السنن والآثار**، تحقیق: کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. بی تا، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: یوسف عبدالرحمن، بیروت: دار المعرفة.
- خسرو شاهی، سید هادی. ۱۴۲۳ق، **مجموعه آثار سید جمال، نامه‌ها و اسناد**، قاهره: مكتبة الشروق الدولية.
- خطیب البغدادی، احمد. ۱۴۱۷ق، **تاریخ بغداد**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ذهبی، محمد. ۱۴۲۲ق، **تاریخ الاسلام**، تحقیق: عمر عبدالسلام، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- ذهبی، محمد. بی تا، **میزان الاعتدال فی نقد الرجال**، تحقیق: علی محمد، بی جا: دار الفکر.
- الرازی، فخرالدین. ۴۰۶ق، **عصمة الأنبياء**، قم: منشورات الکتبی.
- الراوندی، قطب الدین. ۱۴۰۶ق، **منهاج البراعة**، تحقیق: عبداللطیف الکوهمکری، قم: مكتبة آية الله المرعشی.
- الركابی. بی تا، **الجهاد فی الإسلام**، بیروت: بی نا.
- الزمخشری، جار الله. ۱۴۱۷ق، **الفائق فی غریب الحدیث**، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- السیوطی، عبدالرحمن. ۱۴۰۱ق، **الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر**، بیروت: دار الفکر.
- السیوطی، عبدالرحمن. بی تا، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- السیوطی، عبدالرحمن. بی تا، **تاریخ الخلفاء**، تحقیق لجنة من الادباء، بیروت: مطابع معتوق اخوان.
- الصدوق، محمد. ۱۳۳۸ش، **معانی الأخبار**، تصحیح: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- الصدوق، محمد. ۱۴۱۴ق، **الإعتقادات فی دین الإمامیة**، الطبعة الثانية، بیروت: دار المفید.
- الطباطبائی، علی. ۱۴۱۲ق، **ریاض المسائل**، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- الطباطبائی، محمد حسین. ۱۴۱۲ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: اسماعیلیان.
- الطبرانی، سلیمان. ۱۴۱۵ق، **المعجم الاوسط**، تحقیق: قسم التحقیق بدار الحرمین، بی جا: دار الحرمین.
- الطبرسی، فضل. بی تا، **اعلام الوری باعلام الهدی**، چاپ سوم، بی جا: دار الکتب الاسلامیة.
- الطبری، محمد. ۱۳۵۸ق، **تاریخ الطبری**، قاهرة: الإستقامة.
- الطبری، محمد. ۱۴۱۵ق، **جامع البیان عن تاویل آی القرآن**، مقدمه: خلیل المیس، بیروت: دار الفکر.

- الطوسی، محمد. ١٤٠٩ق، **التبيان في تفسير القرآن**، تحقيق و تصحيح: احمد حبيب قصير العاملي، بی جا: مكتب الاعلام الاسلامي.
- الطوسی، محمد. بی تا، **الأمالی**، قم: داوری.
- العاملي، الحر. ١٤١٤ق، **وسائل الشیعة**، تحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- الفيض الكاشاني، محسن. بی تا، **التحفة السننية**، شارح: عبد الله الجزائري، ميكرو فيلم، آستان قدس رضوی.
- الكلاعي، سليمان بن موسى. ٤٢٠ق، **الاكتفاء بما تضمنه من مغازي رسول الله والثلاثة الخلفاء**، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الكليني، محمد. ٣٩١ق، **اصول الكافي**، تعليق: علي اكبر غفاري، بی جا: دار الكتب الاسلامية.
- المازندراني، محمد صالح. ١٤٢١ق، **شرح اصول الكافي**، تحقيق: ابوالحسن الشعراني، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- المتقي الهندي، علي. ١٤١٩ق، **كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال**، تحقيق: محمود عمر، بيروت: دار الكتب العلمية.
- مشكيني، علي. ١٣٨٤ش، **اصطلاحات الأصول ومعظم أبحاثها**، قم: حكمت.
- معرفة، محمد هادي. ١٣٨٤ش، **تاريخ قرآن**، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- ملكي اصفهاني، مجتبي. ١٣٨١ش، **فرهنگ اصطلاحات اصول**، قم: عالمه.
- منتظري، حسين علي. ١٣٨٠ش، **نظام الحكم في الاسلام**، قم: بی تا.
- النسائي. ١٣٤٨ق، **سنن الكبرى**، بيروت: دار الفكر.
- الهيثمي، علي. ١٤٠٨ق، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، بيروت: دار الكتب العلمية.
- اليقوبي، احمد. بی تا، **تاريخ اليعقوبي**، بيروت: دار صادر.

Bibliography

The Holy Quran.

Ibn Abi Al-Hadid. 1385, Sharh Nahj al-Balaghah, Beirut: Dar ! Ihya 'al-Tarath al-Arabi.

Ibn Ash'ath, Abi Dawood. 1410 AH, Sunan Abi Dawood, research: Saeed Mohammad Laham, misplaced: Dar al-Fikr.

- Ibn Habban, Ali 1414, Sahih Ibn Habban, research: Shoaib Arnawat, second edition, unpublished: Al-Risalah Foundation.
- Ibn Habban, Muhammad 1395, Al-Thaqat, Hyderabad: Cultural Books Foundation.
- Ibn Hajar, Ahmad 1416, The Language of the Balance, Research: School of Research, Beirut: History Institute.
- Ibn Hajar, Ahmad, Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari, thirteenth edition, Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Ibn Hanbal, Ahmad, Musnad Ahmad, Beirut: Dar Sader.
- Ibn Sa'd, Muhammad, Al-Tabqat Al-Kobra, Beirut: Dar Sader.
- Ibn Sulayman Kufi, Muhammad 1412, Manaqib Al-Imam Amir Al-Mo'menin, research: Mohammad Baqir Mahmoudi, Qom: Cultural Revival Association.
- Ibn Sayyid, Muhammad 1406, Prophetic biography (Ayoun al-Athar), Beirut: Izz al-Din Foundation.
- Ibn Shuba al-Harani, Hassan. 1404, Tahf al-Aqool, research: Ali Akbar al-Ghaffari, second edition, Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Ibn Shahr Ashob, Muhammad 1328, similar to the Qur'an and different, misplaced: book printing company.
- Ibn Shahr Ashob, Muhammad 1956, Manaqib Al-Abi Talib, correction: Lajnah from Asatzah Al-Najaf Al-Ashraf, Al-Najaf Al-Ashraf: Al-Haydariya
- Ibn Asaker, Ali 1415 AH, History of the city of Damascus, research: Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, Different Interpretations of Hadith, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiya.
- Ibn Kathir, Ismail. 1408, the beginning and the end, research: Ali Shiri, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Ibn Kathir, Ismail. 1420, Prophetic biography, research: Muhammad al-Mu'tasim, second edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Hisham, Abdul Malik 1975 AD, Prophetic Biography, Beirut: Dar Al-Jail.
- Abu Ali al-Musli., Musnad Abi Yaali, Research: Hussein Salim Asad, Second Printing: Dar Al-Mamun for Heritage.
- Al-Razzaqi, Muhammad bin Abdullah 1411, Mecca News, Research: Rashidi Al-Saleh, Qom: Al-Sharif Al-Radi Publications.
- Al-Aghani, Second Printing, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Al-Balazari, Ahmad 1956, Conquest of Countries, Investigation: Salahuddin Al-Munajjid, Cairo: Egyptian Ennahda School.
- Bahrampour, Abolfazl 2001, Nasim Hayat, Qom: Hijrat.
- Al-Bayhaqi, Ahmad 1410 AH, Branches of Faith, Research: Muhammad Saeed Ibn Basiyuni, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- Al-Bayhaqi, Ahmad, Knowledge of Sunnah and Works, Research: Kasravi Hassan, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
- The ruler of Neyshabur, Abu Abdullah. Al-Mustadrak Ali Al-Sahihin, Research: Yusuf Abdul Rahman, Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Khosrow Shahi, Seyed Hadi. 1423, Collection of Sayyid Jamal's works, letters and documents, Cairo: Maktab al-Shorouq al-Dawla.
- Khatib al-Baghdadi, Ahmad 1417, History of Baghdad, research: Mustafa Abdul Qadir, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Zahabi, Mohammad 1422, Tarikh al-Islam, research: Omar Abdul Salam, third edition, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

- Zahabi, Mohammad, the degree of moderation in the critique of men, research: Ali Mohammad, place: Dar al-Fikr.
- Al-Razi, Fakhreddin 1406, the infallibility of the prophets, Qom: written publications.
- Al-Rawandi, Qutbuddin 1406, Minhaj Al-Bara'a, research: Abdul Latif Al-Kuhkamari, Qom: Ayatollah Al-Marashi School.
- Al-Faeq Fi Gharib Al-Hadith, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiya.
- Al-Suyuti, Abdul Rahman 1401, Al-Jame 'Al-Saghir Fi Ahadith Al-Bashir Al-Nazir, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Al-Suyuti, Abdul Rahman Al-Dar Al-Manthur Fi Al-Tafsir Bal-Mathur, Beirut: Dar Al-Ma'rifa for Printing and Publishing.
- Al-Suyuti, Abdul Rahman, History of the Caliphs, Research on the Paradise of Literature, Beirut: Brotherhood Press.
- Ma'ani al-Akhbar, edited by Ali Akbar al-Ghaffari, Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Beliefs in the Imamate Religion, Second Edition, Beirut: Dar al-Mufid.
- Al-Tabatabai, Ali, Riyadh Matters, Research: Islamic Publishing Foundation, Qom: Islamic Publishing Foundation.
- Al-Tabatabai, Muhammad Hussain 1412, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Ismailis.
- Al-Tabrani, Suleiman, Middle Dictionary, research: I swear by the investigation of the sanctuary, nowhere: Dar al-Harmain.
- Al-Tabarsi, Fazl. Al-Wari announcement with Al-Huda notice, third edition, unpublished: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Al-Tabari, Muhammad, Tarikh al-Tabari, Cairo: Revenge.
- Al-Tabari, Muhammad, comprehensive statement on the interpretation of the Qur'an, Introduction: Khalil Al-Mays, Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Tusi, Muhammad 1409 AH, Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, research and correction: Ahmad Habib Qusair Al-Ameli: Maktab Al-Alam Al-Islami.
- Al-Tusi, Muhammad, Al-Amali, Qom: Arbitration.
- Shiite means, research: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage, second edition, Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
- Al-Faiz Al-Kashani, Mohsen, Al-Tahfa Al-Sunnah, Commentary: Abdullah Al-Jazairi, Microfilm, Astan Quds Razavi.
- Al-Kalai, Sulayman bin Musa. Suffering with the guarantee of the shop of the Messenger of God and the three caliphs, research: Muhammad Abdul Qadir Atta, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
- Al-Kalini, Muhammad, Usul al-Kafi, commentary: Ali Akbar Ghaffari: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Al-Mazandarani, Mohammad Saleh, Sharh Usul al-Kafi, research: Abu al-Hassan al-Sha'rani, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Al-Muttaqi Al-Hindi, Ali., the treasure of deeds in the tradition of words and deeds, research: Mahmoud Omar, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Meshkini, Ali 1384, The Terms of Principles and the Great Research, Qom: Wisdom.
- Knowledge, Mohammad Hadi 2005, History of the Quran, seventh edition, Tehran: Samt Pub.
- Maleki Esfahani, Mojtaba. 2002, Dictionary of Terms of Principles, Qom: Allameh.
- Montazeri, Hossein Ali 2001, Nizam al-Hakam fi al-Islam, Qom.
- Sunan al-Kubra, Beirut: Dar al-Fikr.
- Al-Haythami, Ali 1408, Al-Zawaid Complex and the Source of Benefits, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya.

شیوه برخورد پیامبر در دعوت به مبانی اسلام با تکیه بر آموزه‌های قرآنی / ۱۹۵

Al-Yaqoubi, Ahmad, History of Ya'qubi, Beirut: Dar Sader.



The Prophet's Approach to Inviting to the Principles of Islam based on Qur'anic Instructions

Reza Ramezani: Faculty Member, Ayatollah Boroujerdi University, Faculty of Education

Abstract

In the Western world, some have described Islam and its Prophet as warriors, violent, bloodthirsty and cruel and have reduced the status of Muslims to the level of terrorists! However, the truth of the matter is other than this, and the source of this kind of analysis and perception can be considered in the West's enmity with Islam, selective treatment of the manners and character of the Prophet of Islam, and misunderstanding of Islam and lack of comprehensive knowledge of Islam. In order to fulfill his mission, the Holy Prophet put principles and ideologies on his agenda, which played an important role in the spread of Islam in Saudi Arabia and neighboring countries, by creating peace and friendship among the people and establishing peaceful coexistence among the people of that region. Therefore, in order to introduce a comprehensive picture of the Holy Prophet in this article, an attempt has been made to review the methods of the Holy Prophet in inviting him to the principles of Islam and to extract its general principles and doctrines based on Quranic instructions.

Keywords: Islamophobia, comprehensive, encounter, opposites, general principles.

پیشگامان
پرتال جامع علوم انسانی